

ابعاد پنج گانه قدرت هسته ای ایران

مقدمه

موضوع قدرت هسته ای جمهوری اسلامی ایران به یک مسئله مهم داخلی و بین المللی تبدیل شده است. این موضوع طی چند سال اخیر در دایره حساسیت افکار عمومی ایران و تاحدودی خانواده بین المللی قرار گرفته و کشورهای غربی و به طور مشخص دولت ایالات متحده آمریکا حساسیت خود را به فاز تلاش بی وقفه برای تشکیل یک ائتلاف جهانی و منطقه ای و افزایش فشارهای دیپلماتیک علیه ایران رسانده است. در این نوشتار کوشش می شود ابعاد پنج گانه نیروی هسته ای ایران مورد بررسی قرار گرفته و چالشهای پیش روی جمهوری اسلامی در میان مدت دسته بندی شود. ارزش پروژه غنی سازی اورانیوم و دانش هسته ای برای ایران، انگیزه های مخالفت غرب با پروژه هسته ای شدن ایران، استراتژی بازی اروپا - آمریکا - چین و روسیه - اسرائیل، استراتژی بازی ایران و بالاخره چشم انداز این بازی، پنج ضلع وضعیت نیروی هسته ای ایران به شمار می رود که ترسیم و تبیین آن هدف این نوشتار است. ناگفته روشن است که این موضوع و پرونده پرماجرا و کشمکشها و فراز و نشیبهای آن، به ویژه در شرایط کنونی از ابعاد دیگری نیز برخوردار است که از چشم نگارنده پنهان نیست، اما آن را به آینده و به بررسی جداگانه می سپارد:

۱. ارزش پروژه غنی سازی اورانیوم

دانش هسته ای ایران، یک دانش بومی است و به تدریج این دانش در طی دو دهه گذشته در ایران تبدیل به فناوری تحقیقاتی شده است. این فناوری شامل کلیه بخشهایی است که دسترسی ایران را به انرژی هسته ای و صرفاً در زمینه های صلح آمیز فراهم می کند. ساخت سانتریفوژ در ایران انجام می گیرد و پروژه غنی سازی در حال عبور از مراحل تحقیقاتی به مرحله صنعتی است. چنان که می دانیم، آژانس بین المللی انرژی هسته ای از ابتدای کار بر فعالیت های ایران نظارت داشته است. از این رو فعالیتهای هسته ای ایران اصولاً چیزی برای پنهان کردن ندارد و دوربینهای آژانس در حساس ترین مراکز ایرانی شبانه روز بر فعالیتهای دانشمندان و کارشناسان ایرانی نظارت دارند. علاوه بر آن، بازرسیهای سرزده نیز در هر موردی که آژانس به هر دلیلی آن را مشکوک می داند، وجود دارد. از این رو آنچه در حال حاضر در ایران جریان دارد، پروژه ای است با ماهیت اقتصادی - تحقیقاتی و در حوزه Hi-Tech، البته داشتن چنین دانشی در صورتی که در مسیر دیگری تغییر جهت داده شود، کاربرد نظامی هم دارد، اما اصولاً خط تولید غنی سازی انرژی هسته ای با مصارف صنعتی با خط تولید بمب هسته ای کاملاً و ماهیتاً تفاوت دارد و نوع تولید متفاوت است.

فراموش نکنیم که فعالیت هسته ای ایران بر خلاف کره شمالی تحت نظارت دقیق آژانس قرار دارد و اصولاً ماهیت صلح آمیز خط تولید اورانیوم در ایران تاکنون توسط هیچ مرجع بین المللی مورد تردید قرار نگرفته و بازرسان آژانس به هیچ نشانه ای که دلالت بر تغییر خط تولید در جهت کاربرد این صنعت در مصارف نظامی باشد، دست نیافته اند. با توجه به ماهیت اقتصادی و سرمایه گذاری گسترده ای که در این ارتباط در ایران صورت گرفته، تعلیق دایم فعالیتهای توسط ایران به هیچ عنوان پذیرفته نیست و حتی در بدترین شرایط کسانی که خواهان تعلیق دایم هستند، باید بهای آن را که بالغ بر میلیاردها دلار هزینه فرصت اشتغال و تجهیزات و نظیر آن می شود، بپردازند. آنچه تاکنون از سوی برخی کشورها و نهادهای بین المللی مطرح شده، تعلیق موقت بوده است و به دلیل آنکه خواسته ها و نیتهای طرفهای مذاکره نامعقول بوده، از سوی ایران تاکنون پذیرفته نشده است.

۲. دلایل مخالفت غرب با پروژه هسته‌ای ایران

با توجه به آنکه نشانه‌ای از فعالیتهای مخاطره آمیز علیه صلح و امنیت بین‌المللی تاکنون توسط آژانس و یا هیچ مرجع دیگر گزارش نشده است و ایران هم در چارچوب آژانس از حقوقی برخوردار است که از آن استفاده می‌کند، به نظر می‌رسد مخالفت غرب با خود پروژه نیست؛ زیرا پروژه در ابتدای راه و در مسیر تحقیقات صنعتی قرار دارد. علاوه بر آن مخالفت غرب یک پارچه نیست، اروپایی‌ها نسبت به آمریکا حساسیت کمتری در مورد این پروژه دارند و به طور عمده تحت فشار آمریکا عمل می‌کنند. آمریکا نیز تحت تأثیر اسرائیل قرار دارد و آنچه در پشت پرده مذاکرات وجود دارد، آن است که موازنه قوا در خاورمیانه که در حال حاضر در حوزه انرژی هسته‌ای به سود اسرائیل است، برهم می‌خورد. مصری‌ها، ترک‌ها، لیبی و حتی سوریه سالها در جهت برهم زدن این موازنه در پی چاره‌جویی بوده و تلاشهای فراوانی برای دسترسی به انرژی هسته‌ای داشته‌اند، اما همواره مخالفت آمریکا این کشورها را از چنین اقدامی بازداشته است، بنابراین می‌توان گفت که نیت برهم زدن موازنه قوا در همه کشورهای منطقه وجود دارد. حال که ایران این موازنه را تا حدودی برهم زده، آمریکا چنین برآشفته شده و خواب و خوراک دولتمردان آمریکایی برهم خورده است، چنان که اشاره شد، اروپایی‌ها، روسیه و چین چنین حساسیتی ندارند، بلکه برعکس از برهم خوردن موازنه یک طرفه آمریکایی - اسرائیلی در منطقه استقبال هم می‌کنند؛ زیرا آنان از این وضعیت سود می‌برند و در اصل از این پروژه برای تضعیف قدرت آمریکا در منطقه استفاده می‌کنند، ضمن آنکه روس‌ها که تولیدکننده نفت هستند، از این وضعیت بیش از دیگران سود می‌برند.

۳. استراتژی بازی

آمریکا و اسرائیل به گونه‌ای آشکار به کمتر از تعلیق دائم و حتی تغییر سیستم در ایران رضایت نمی‌دهند، اما هم آمریکا و هم اسرائیل در وضعیت خوبی به سر نمی‌برند. آمریکا در باتلاق عراق گرفتار شده و تمام شعارهایش برای دولت‌سازی در این کشور با بن‌بستهای شکننده مواجه شده است. اسرائیل نیز یک شکست تاریخی در لبنان را تجربه کرده است. بدیهی است، شکست سوم در صحنه ایران آخرین ضربه به ساختار تک قطبی جهان خواهد بود.

که آمریکایی‌ها تردید جدی دارند، در نتیجه فضای بازی هسته‌ای ایران فضای جنگ نیست و رئیس‌جمهور آمریکا که آخرین فرصت‌های خود را می‌گذراند، معلوم نیست بتواند در آمریکا اجماعی برای جنگ جدید جستجو کند. اما در هر حال موقعیت این دو رژیم - آمریکا و اسرائیل - به لحاظ روانی در خاورمیانه تضعیف شده است.

ایران با اروپا مشکلی ندارد و برای غنی‌سازی اورانیوم حاضر است با هر یک از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان و یا دو کشور روسیه و چین کنسرسیوم تشکیل داده و انرژی هسته‌ای خود را تحت لیسانس این کشورها قرار دهد. بنابراین آنچه در سطح اروپا، روسیه و چین با ایران می‌گذرد صرفاً ماهیت سیاسی - اقتصادی دارد و فضای آن مانند سطح آمریکا - اسرائیل نظامی - امنیتی نیست. از نظر ایران توانایی آمریکا و اسرائیل برای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران با محدودیتهای جدی مواجه است و این توانایی حداکثر می‌تواند در حد ضربه‌ای محدود بروز کند که با توجه به پراکندگی و استحکام تأسیسات هسته‌ای، چنین ضربه‌هایی نیز اصولاً تعیین‌کننده نیست و عکس‌العمل ایران نیز عکس‌العمل ساده‌ای نخواهد بود. همچنین، طراحی‌های لازم برای برخورد پیچیده با اقدامات نظامی غرب مدتهاست که در ایران اندیشیده شده و آمادگی وجود دارد.

۴. استراتژی بازی ایران

ایران از همان ابتدا در سطح سیاسی - اقتصادی مسئله هسته‌ای خود را دنبال کرده و به بازی برد - برد اندیشیده است. روابط ایران با اروپا، چین و روسیه به گونه‌ای است که این کشورها به ایران وابستگی دارند، مصرف انرژی نفت و همچنین حضور در پروژه‌های عظیم گاز و پتروشیمی و حجم مبادلات ایران اصولاً منافع بزرگی ایجاد کرده که هیچ‌یک از این کشورها به سادگی از آن دست برنخواهند داشت. آمریکا برای همراه‌سازی اروپا، چین و روسیه در اردوگاه خود باید میلیاردها دلار هزینه جایگزینی روابط با ایران را بپردازد که در حال حاضر چنین توانی در آمریکا وجود ندارد، از این رو اجماع بین‌المللی حتی در شورای امنیت نیز صرفاً بر روی کاغذ بوده و حداکثر آن تحریم خواهد بود؛ تحریمی که هرگز اجرا نخواهد شد و از وضعیت فعلی در رابطه با تحریم‌های آمریکا علیه ایران که سالهاست وجود دارد، فراتر

نخواهد رفت. از نظر ایران، در بازی هسته ای ما در موقعیت ضعف و انفعال نیستیم، بلکه طرف مقابل ابزارهای محدود و کندی دارد و قادر به تعیین تکلیف قاطع نیست. به همین دلیل ایران تنها گزینه خود یعنی ادامه مذاکرات در سطح اروپا را برای اخذ امتیازات هر چه بیشتر دنبال می کند و از آنجا که پروژه هسته ای ایران ماهیت اقتصادی و فناورانه دارد، در این محیط فضای بهتری برای پیشبرد اهداف خود تشخیص می دهد.

۵. آینده بازی

همان گونه که ذکر شد، تضعیف آمریکا و اسرائیل در منطقه، فضای امنیتی - نظامی خاورمیانه را به یک فضای سیاسی - اقتصادی تبدیل می کند. آنچه تحت عنوان خاورمیانه جدید توسط آمریکا پیشنهاد و اجرا می شود، عملاً جز تخریب خاورمیانه از طریق جنگهای ویرانگر و زورگویی اسرائیل چیز دیگری در پی ندارد و از آنجا که افکار عمومی خاورمیانه به سود آمریکا و اسرائیل پیش نمی رود، آینده ای هم که در آن مردم این منطقه در صلح به سر برند، در طرحهای آمریکایی - اسرائیلی دیده نمی شود. دستاورد آمریکا در عراق مطابق بررسیهای انجام شده از سوی نهادهای معتبر دانشگاهی در آمریکا ۶۵۰ هزار کشته و تخریب تمام زیرساختهای کشور عراق، و دستاورد اسرائیل در لبنان تخریب زیرساخت و اقتصاد لبنان بوده است. این دستاوردها داعیه های آمریکا و اسرائیل را در مورد آینده بهتر برای خاورمیانه به شدت خدشه دار کرده و می کند.

آنچه خطرناک به نظر می رسد، آن است که آمریکا و اسرائیل گناه شکستهای خود را به گردن کشوری نظیر ایران بیندازند و ایران را مانع پیشرفت خاورمیانه بدانند، در حالی که همه می دانند ایران در قضیه سازندگی عراق بیشترین نرمش و انعطاف را از خود نشان داد، و این امریکاست که خواهان پیروزی و رفاه مردم عراق نیست. از جمله مشکلات دیگری که آمریکا در پی ایجاد آن است، تفرقه در میان اقوام و مذاهب منطقه است. جنگ میان شیعه و سنی، کرد و عرب و ایجاد کشورهای کوچک در خاورمیانه، دورنمای آینده آمریکایی منطقه به نظر می رسد. مهم آن است که روشنفکران، پژوهشگران و اندیشمندان جهان عرب در این دام قرار نگرفته و در صدد مطرح کردن خطر ایرانی برنیابند و حضور ایران را معادل حضور آمریکا و اسرائیل در

منطقه قرار ندهند. ایران بیش از هر چیز به زندگی آرام و روابط خوب با کشورهای عربی می‌اندیشد و به هیچ وجه در صدد تخریب روابط با هیچ کشوری نیست، بلکه برعکس خالصانه آمادگی دارد تمام توان کارشناسی و دانش صنعتی و نفوذ سیاسی خود را در خدمت صلح و آرامش منطقه قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی